

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۷ جولای ۲۰۲۲



محمد محق

افغانستان، اقتصاد اعانه‌نی و شکنندگی دولت‌ها

یکی از علل فروپاشی دولت‌ها در افغانستان، دست کم در صد و پنجاه سال گذشته، ناتوانی در تأمین هزینه‌های دولنداری با تکیه بر منابع داخلی بوده است. دولت‌های این کشور در تمام این مدت، علی‌رغم ادعاهای پر لاف و گزاف، از غیرت افغانی تا بوق و کرنای مسلمانی، پیوسته دست‌گدائی‌شان به پیشگاه "کافران" دراز بوده و از طریق اعانه‌ها و مساعدت‌های آنان به زندگی خود ادامه داده‌اند. این روند گدائی‌گری، با دریغ، تا لایه‌های زیرین این جامعه رسوب کرده و بخشی از فرهنگ آن شده است.

سیاستمداران افغانستان، به محض رو به رو شدن با بیگانگان، اولین سخنی که، بدون هیچ شرم و خجالتی، بر زبان می‌آورند درخواست کمک و مساعدت است و در این زمینه میان طالب اسلام‌گرا تا روشنفکر غرب‌گرا فرقی وجود ندارد.

کشورهائی که می‌خواهند با استقلال و سربلندی زندگی کنند، نه با مزدوری و گردن‌کجی، در گام نخست به خودکفائی اقتصادی خویش همت می‌گذارند و طبعاً راه آن فروش مواد خام و به لیلان گذاشتن معادن نیست، بلکه تولید کالای صنعتی است، چه صنعت سنگین و چه غیر سنگین. انقلاب صنعتی که از نیمه قرن هیجدهم از غرب اروپا به راه افتاده بود و تا پایان قرن بیستم به جاپان، کوریای جنوبی و نهایتاً چین با آن جهش بی‌سابقه رسید، یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ دنیاست که راه خودکفائی اقتصادی را به روی بسیاری از کشورها گشود، و آن‌ها را از خیرات گیرنده به خیرات دهنده تبدیل کرد.

افغانستان دقیقاً از همان زمان که جهان به سوی صنعتی شدن می‌رفت، گرفتار درگیری‌های داخلی نوادگان احمد شاه ابدالی و سپس برادران بارکزائی شد و تا امروز نتوانسته است به لحاظ اقتصادی بر سر پای خود بایستد. در تمام این مدت، دولت‌ها با اقتصاد بیمارشان از طریق سیروم کمک‌های خارجی به زندگی خود ادامه داده‌اند. این قدرت خارجی

گاهی انگلیس، گاهی روسیه تزاری، گاهی اتحاد جماهیر شوروی، و گاهی دیگر ایالات متحده آمریکا و همپیمانان آن بوده است. اتکاء به اعانه‌های خارجی هم شامل دولت‌ها، و هم گروه‌های سیاسی مخالفی بوده است که با دولت مرکزی وارد جنگ می‌شدند. همچنان، قطع این کمک در هر مرحله سبب سقوط دولت‌ها یا ناکامی اپوزیسیون شده است، و آنچه به نام جهاد با انگلیس، جهاد با روس، و سپس جهاد با آمریکا می‌شناسیم، فصل‌هایی از تاریخ اقتصاد اعانه‌ئی است، و این، مهم‌ترین عامل تحولات سیاسی در هر دو جبهه دولت و اپوزیسیون بوده است، و هر دو در نقش سربازان اجاره‌ئی برای جنگ‌های دیگران.

گروه‌های پر ادعای ایدئولوژیک چپ و راست، بی‌هیچ درکی از این وضعیت اسفناک پا به صحنه سیاست نهادند، اما هر یک از آن‌ها با رسیدن به حکومت در یافتن خزینه خالی است، و بدون کمک‌های خارجی توان نان دادن سربازان نیست. گروه طالبان نیز امروزه در همان مسیر روان است، و شب و روز تکرار و تضرع می‌کند که کمک‌های خارجی برگردد تا خطر سقوط را از حاکمیت آن دور کند. این گردن‌کجی اما بزودی پایان نخواهد یافت و ثبات نیز به این آسانی آمدنی نیست، زیرا کمک خارجی برای هیچ کشوری ثبات پایدار به ارمغان نیاورده است. ثبات پایدار زاده خودکفائی اقتصادی و استقلال مالی است که به حکومتی تخصص‌محور نیاز دارد، حکومتی که روند توسعه کشور را بر اساس داده‌های علمی طراحی و مدیریت کند و چنین چیزی در سایه حاکمیتی مبتنی بر باورهای ایدئولوژیک ابداً امکان‌پذیر نیست. تنها از طریق علم و تخصص می‌توان اقتصاد را سر و سامان داد و تنها از طریق اقتصاد سر و سامان یافته است که می‌توان دولت را از سقوط رهایی بخشید، و سپس کشور را به ثبات، توسعه، و رفاه رساند.